

## قواعد عمومی دیه اعضا

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و قاضی دیوان عالی کشور

### چکیده:

از امتیازات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، بیان احکام و قواعد کلی حاکم بر هر موضوع است که غالباً در هر بخش بیان شده است. بخش دوم از کتاب دیات نیز فصل دوم را به بیان «قواعد عمومی دیه اعضا» اختصاص داده است و طی هیجده ماده این قاعده را بیان کرده است که بعضاً در قانون سابق نیامده بود. چنین رویکردی از تکرار مواد در فصول یا مباحث مختلف پیش‌گیری و استخراج احکام منطبق بر قضیه را تسهیل می‌کند. احکام مندرج در مواد ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴ و ۵۷۵ که در مجموع بیش از شصت درصد مواد این فصل را تشکیل می‌دهد، فاقد پیشینه تقنینی است و به عبارتی از نوآوری‌های قانون جدید در رفع خلأهای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ محسوب می‌شود. ماده ۵۷۵ این قانون که به موجب آن پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد، نوآوری است که در راستای همگامی با تحولات علمی روز مقرر شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای به برخی از مسائل مربوط به مواد ۵۵۸ تا ۵۶۶ قانون مجازات اسلامی پرداخته است.

### گفتار اول: ثبوت دیه در جنایت غیر عمدی و عمدی غیر موجب قصاص بر اعضا

قانون‌گذار در ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی به وضعیتی اشاره کرده است که در مواردی که در جنایت غیرعمدی بر اعضا و جنایت عمدی که قصاص ندارد یا قصاص در آن ممکن نیست و مقدار دیه در موارد صلح شده روشن نیست چگونه عمل خواهد شد؛ در ماده موصوف آمده است: «در جنایت غیرعمدی بر اعضا و جنایت عمدی که قصاص ندارد یا قصاص در آن ممکن نیست یا بر دیه مصالحه شده و مقدار آن مشخص نشده است به شرح مقرر در این قانون، دیه ثابت می‌شود».

این ماده در مقام بیان صورت‌های مختلف جنایت بر اعضا است که در آنها دیه ثابت است:

نخست، جنایت غیرعمدی بر اعضا؛

دوم، جنایت عمدی که قصاص ندارد؛

سوم، جنایت عمدی که قصاص در آن ممکن نیست؛

چهارم، جنایت عمدی که در آن بر دیه مصالحه شده لیکن مقدار آن مشخص نشده است.

منظور از جنایت بر عضو در این ماده، تمامی جنایتهای مادون نفس است که شامل جنایت بر منفعت نیز می‌شود.

### گفتار دوم: ثبوت ارش در صدمه بر اعضا و منافع در غیر موارد دیه مقدر

در مواردی که صدمه بر اعضا و منافع واقع می‌شود و دیه مقدر نیز وجود ندارد ارش قابل مطالبه می‌باشد. مقنن در ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی به این حکم اشاره کرده است. در این ماده مقرر شده است: «هرگاه در اثر جنایت صدمه‌ای بر عضو یا منافع وارد آید چنانچه برای آن جنایت در شرع دیه مقدر یا نسبت معینی از آن به شرح مندرج در این قانون مقرر شده باشد مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده ارش آن قابل مطالبه است».

حکومت و ارش مترادف‌اند؛ لیکن نظرات دیگری نیز ارائه شده است. برخی گفته‌اند گاه از ارش به‌عنوان حکومت یاد می‌شود و مقصود از حکومت همان صلح قهری است که به خصومت و نزاع فیصله می‌بخشد.<sup>(۱)</sup> برخی دیگر گفته‌اند: «حکومت در جایی است که دادگاه تعیین خسارت را به‌نظر کارشناس موکول کند و بر اساس نظر کارشناس حکومت نماید ولی ارش را خود دادگاه با توجه به‌نظر خود تعیین می‌کند».<sup>(۲)</sup>

ارش بر خلاف دیه، مقدار ثابتی ندارد و ممکن است نسبت به افراد مختلف تفاوت داشته باشد؛ مانند آنکه در اثر جنایتی، زیبایی فردی از بین رفته باشد. وجوه زیبایی در زن و مرد و نیز در بین زنان و یا در بین مردان متفاوت است و بر این اساس پرداخت ارش نسبت به هر فرد متفاوت خواهد بود.

حکم پرداخت ارش مشروط به آن است که در هیچ یک از قانون و شرع برای آن عضو دیه‌ای معین نشده باشد؛ زیرا به موجب اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگاه حکم قضیه‌ای در قانون مبهم و مجمل باشد قاضی باید حکم قضیه را برابر فتاوی مشهور فقها و از شرع استخراج کند؛ بنابراین در مواردی که قانون دیه عضوی را تعیین نکرده اما در منابع معتبر فقهی مشخص شده است، دادگاه نمی‌تواند حکم به پرداخت ارش بدهد. پیرامون این حکم مقنن چند مسئله قابل بررسی است:

#### ۱- آیا عاقله در موارد پرداخت ارش هم مسئولیت دارد؟

به نظر می‌رسد در این خصوص بین ارش و دیه تفاوتی نیست؛ زیرا: اولاً، مواردی که عاقله مسئولیت پرداخت دارد مربوط به جنایتهای خطایی است اعم از اینکه جنایت موجب دیه باشد یا ارش؛ و ثانیاً ارش همان دیه غیرمقدر است و همه احکام آن را دارد؛ به استثنای موادی که تصریح به خلاف آن شده باشد.<sup>(۳)</sup>

#### ۲- آیا حکم به پرداخت دیه و ارش به‌طور هم‌زمان برای یک عضو امکان‌پذیر است؟

دیه و ارش در موارد خاصی مانع‌الجمع نیستند. به‌عنوان مثال، در موردی که غیر از شکستگی عضو عارضه دیگری برای همان عضو ایجاد می‌شود که جدا از شکستگی آن است، تعیین ارش آن وفق مقررات قانون بلامانع است. اداره

حقوقی قوه قضاییه در یک نظریه مشورتی چنین آورده است: «چنانچه به غیر از شکستگی عارضه‌ای برای عضو ایجاد نشود، دلیلی بر تعیین ارش نیست؛ زیرا خونریزی از تبعات شکستگی است؛ ولی اگر غیر از شکستگی عارضه‌ای برای عضو ایجاد شود که جدا از شکستگی باشد، تعیین ارش آن وفق مقررات قانونی بلامانع است»<sup>(۴)</sup> بنابراین با توجه به ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی، چنانچه برای جنایت بر عضو یا منافع در شرع دیه مقدر یا نسبت معینی از آن تعیین شده باشد، مقدار مقرر مذکور مورد حکم قرار می‌گیرد و موارد صدور حکم به ارش ناظر به جایی است که شرعاً مقدار خاصی برای جنایت تعیین نشده باشد؛ بنابراین در موردی که عضوی دارای دیه مقدر است، موجب قانونی بودن تعیین ارش تحت هر عنوانی و از جمله هزینه جراحی وجود ندارد.

### ۳- جایگاه نظریه کارشناس در تعیین ارش چیست؟

اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب یک نظریه مشورتی چنین آورده است: «در صورت عدم ظهور آثار ضرب و جرح مانند کبودی، خراش و تورم در بدن مجنی‌علیه، دادگاه در صورت اثبات جرم باید طبق نظر کارشناس مبادرت به صدور حکم به پرداخت ارش کند»<sup>(۵)</sup>. در نظریه دیگری گفته است: «نظر کارشناس یکی از ادله اثبات دعوی است؛ مگر اینکه قاضی تشخیص دهد که منطبق با واقع نیست که آن موقع در صورت لزوم از کارشناسان دیگر استفاده خواهد کرد»<sup>(۶)</sup> بنابراین در مواردی که آثار ضرب و جرح ظاهر نباشد، نظریه کارشناسی در تعیین میزان ارش به کمک قاضی خواهد آمد و در صورتی که نظریه مشورتی پزشکی قانونی قاضی را اقناع کند و مرجع رسیدگی‌کننده آن نظریه را منطبق با واقع تشخیص دهد، بایستی مطابق آن عمل کند و در غیر این صورت می‌تواند با استدلال نظر کارشناسی را رد کند.

۴- اگر در اثر جنایت استخوان پا بیرون بیاید؛ به نحوی که فقط گوشت آن باقی بماند، آیا دیه دارد یا ارش به آن تعلق می‌گیرد؟

در صورتی که تکه کوچکی از استخوان جدا شده باشد، مطابق ماده ۵۷۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، دیه شکستگی ثابت است؛ اما در صورتی که قطعه جدا شده کوچک نباشد، با توجه به اینکه برای آن دیه‌ای در شرع مشخص نشده است، مطابق ماده ۵۵۹ پرداخت ارش لازم است؛ لیکن باید به این نکته توجه داشت که اگر برای بیرون آوردن استخوان، جراحاتی مانند شکستگی استخوان ایجاد شود، در صورتی که مورد از موارد تداخل دیات نباشد، هر یک از این جراحات نیز حسب مورد دیه یا ارش دارند.

### گفتار سوم: برابری دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل

تفاوت دیه بین زن و مرد از موضوعات پرچالش در نظام حقوقی ایران است. در ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه اسلامی وضعیت برابری یا عدم برابری دیه زن و مرد بیان می‌شود. این ماده مقرر می‌دارد: «دیه

زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث ديه كامل مرد يكسان است و چنانچه ثلث يا بيشتر شود ديه زن به نصف تقليل مي يابد».

مستند شرعي اين ماده، روايات متعددي است كه از ائمه معصومين عليه السلام نقل شده است.<sup>(۷)</sup>

تصنيف ديه زن در مواردی كه از مقدار ثلث بيشتر مي شود، در مواردی است كه جراحت مستوجب ديه بيشتر از ثلث از سوي يك شخص و در زمان واحد وارد شده باشد؛ بنابراین اگر با ضربات متعدد ديه هاي متعدد ثابت شود كه مجموع آن مازاد بر ثلث باشد، تصنيف صورت نمي گيرد، مگر در موردی كه جنايات متعدد عرفاً يك جنايت محسوب مي شود. همچنين ضربه يا رفتار واحدی كه منجر به تعدد نتايج نمي شود موجب جمع ديه ها و تصنيف نيست؛ مگر عرفاً نتايج متعدد يك جنايت باشد.

هرگاه جراحتی در دست زن ايجاد شود، بر اساس ماده ۵۴۸ اين قانون، حداكثر ميزان ارش قابل مطالبه از سوي وي، معادل ديه دست زن خواهد بود.

در خصوص اين ماده چند مسئله قابل طرح و بررسي است.

اول آنكه آيا مجني عليه مؤنث در اجراي قصاص عضو مرد مي تواند به کمتر از حق خود راضي شود تا از پرداخت مازاد نصف ديه معاف شود؛ به عنوان مثال، اگر چهار انگشت زن توسط مرد قطع شود، آيا زن مي تواند بدون رد، دو انگشت وي را قصاص كند؟

اين موضوع در فقه مورد اختلاف است و با توجه به مواد قانونی چند احتمال قابل تصور است. يك احتمال آن است كه زن چنين اختياری ندارد و دادگاه بدون توجه به خواسته زن رأی مي دهد؛ احتمال ديگر آن است كه زن چنين حقی دارد و ديه بر مبنای خواسته وي محاسبه مي شود. به نظر مي رسد احتمال دوم منطقی تر است.

ديگر آنكه در مواردی كه صدمات متعددی به زن وارد شود و برخی از آنها به علت سرايت منتهی به مرگ وي شود، آيا ملاك به ثلث رسيدن، ديه جمع صدمات و فوت است يا اين صدمه به طور مستقل حساب مي شود؟

بر اساس مواد ۵۶۰ و ۵۶۱ قانون مجازات اسلامي، پاسخ سؤال روشن است. ماده ۵۶۰ مقرر مي دارد: «ديه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث ديه كامل مرد يكسان است و چنانچه ثلث يا بيشتر شود ديه زن به نصف تقليل مي يابد». بر اساس اين ماده، حكم تصنيف ديه زن از مقدار ثلث يا بيشتر، فقط در ديه اعضا و منافع جاری است و به ديه فوت تسري نمي يابد. از سوي ديگر، ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامي (۱۳۹۲) مقرر مي دارد: «هرگاه در اثر يك يا چند ضربه آسيب هاي متعددی بر يك يا چند عضو وارد شود، ملاك رسيدن ديه به ثلث، ديه هر آسيب به طور جداگانه است مگر اينكه آسيب هاي وارده بر عضو، عرفاً يك آسيب و جنايت محسوب شود».

با عنايت به دو ماده فوق، در صورتی كه صدمات متعدد وارد بر زن منجر به مرگ وي شود و برخی از اين صدمات غيرمصري باشد؛ چنان كه در بند «ب» ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامي (۱۳۹۲) مقرر شده است، ديه

صدمات غیرمسمری با دیه مرگ تداخل نمی‌کند و باید جداگانه محاسبه شود. به تصریح ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در صورتی که آسیب‌های وارد شده بر عضو، عرفاً یک آسیب و جنایت محسوب نشود هر یک از صدمات باید جداگانه مورد محاسبه قرار گیرد.

از مجموع موارد فوق نتیجه حاصل می‌شود که چنانچه هر یک از صدمات وارده به ثلث یا بالاتر برسد دیه آن صدمه به نصف تقلیل خواهد یافت و در غیر این صورت، دیه هر یک از صدمات غیرمسمری پایین‌تر از ثلث مساوی با دیه مردان محاسبه خواهد شد.

### گفتار چهارم: عدم تفاوت میزان ارش میان زن و مرد

در ادامه آنچه در ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص تفاوت دیه زن و مرد بیان شده مقنن در خصوص تفاوت ارش میان زن و مرد در ماده ۵۶۲ حکم خود را بیان کرده است و در ماده ۵۶۲ آورده است: «در موارد ارش فرقی میان زن و مرد نیست لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضا و منافع زن نباید بیش از دیه اعضا و منافع او باشد اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد».

محتوای این ماده در میان فقها به شدت مورد اختلاف است؛ از این جهت که آیا این ماده در مقام بیان آن است که حکم تنصیف دیه زن به دیه مقدر اختصاص دارد و در مورد ارش جاری نیست و زن و مرد در مورد ارش برابرند؛ یا اینکه ماده ۵۶۲ در مقام تأکید بر حکم تنصیف دیه زن حتی در ارش نیز می‌باشد؟ در این خصوص دو نظر متفاوت قابل ارائه است:

نخست، آن که بگوییم این ماده استثنایی از قاعده مذکور در ماده ۵۶۰ این قانون است. قاعده قابل استخراج از ماده ۵۶۰ این است که «دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد». استثنای وارد شده بر قاعده مذکور آن است که حکم تنصیف دیه در مورد ارش زن جاری نیست و زن و مرد در این مورد برابرند. در این صورت باید قائل به این بود که منظور از عبارت «اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد» آن است که میزان ارش جنایت وارده بر اعضا و منافع زن نباید بیش از دیه اعضا و منافع او باشد؛ هر چند ممکن است مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد. این نظر که ارش جراحات زن به هر میزان و هر چند بیشتر از ثلث باشد، با ارش جراحات و آسیب‌های وارد شده بر مرد مساوی است و به نصف تقلیل نمی‌یابد و تقلیل صرفاً مربوط به دیه است، در میان فقها طرفدارانی دارد از جمله آیت‌الله موسوی اردبیلی در پاسخ به این سؤال که آیا تنصیف در ارش نیز جاری است، فرموده‌اند که تقلیل نمی‌یابد. محقق خوانساری نیز در دیه غیرمقدر (ارش) به عدم تنصیف اعتقاد دارند.<sup>(۸)</sup> دوم، نظر دیگر آن است که این ماده در مقام بیان آن است که قاعده تنصیف به دیه مقدر اختصاص ندارد و در مورد ارش زن نیز جاری است. طرفداران این نظر معتقدند که ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی از سه قسمت

تشکیل شده است:

قسمت نخست یعنی صدر ماده ۵۶۲ که مقرر می‌دارد: «در موارد ارش فرقی میان زن و مرد نیست»، به عمومیت و شمول قاعده کلی مستفاد از ماده ۵۴۸ اشاره دارد؛ با این توضیح که ارش یک عضو در زن یا مرد نباید از دیه مقدر آن عضو بیشتر باشد. به عنوان مثال، اگر فرض کنیم دیه قطع یک دست که نصف دیه کامل است در سال ۱۳۹۹ مبلغ یکصد و شصت و پنج میلیون تومان می‌باشد، حال اگر جانی آسیبی به یکی از دست‌های مجنی‌علیه وارد کند به طوری که دست وی را قطع نکند و دیه تعلق نگیرد، لیکن کارشناس برای آن آسیب ارش به مبلغ دویست میلیون تومان تعیین کند، با توجه به قاعده کلی مندرج در ماده ۵۴۸ که مبلغ ارش یک عضو نباید بیشتر از دیه آن عضو باشد، محکومیت جانی به این مقدار ارش ممکن نیست و حداکثر می‌توان ارش تا مبلغ یکصد و شصت و پنج میلیون تومان (دیه یک دست) را مورد حکم قرار داد؛ زیرا مبلغ تعیین شده توسط کارشناس بیش از میزان دیه قطع یک دست است.

قسمت دوم ماده ۵۶۲ که بیان می‌کند: «لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضا و منافع زن نباید بیش از دیه اعضا و منافع او باشد»، پاسخ به این سؤال است که با عنایت به ماده ۵۶۰ همین قانون مبنی بر اینکه دیه اعضا و منافع زن در صورتی که به مقدار ثلث دیه کامل مرد برسد نصف می‌شود، آیا ارش نیز چنین محاسبه می‌شود؛ بدین معنا که آیا ارش اعضا و منافع زن نیز مانند دیه زن در فرض رسیدن به ثلث به نصف تقلیل می‌یابد. این قسمت از ماده فوق در پاسخ به این سؤال بیان می‌دارد: «میزان ارش جنایت وارده بر اعضا و منافع زن نباید بیش از دیه اعضا و منافع او باشد». بدین ترتیب همان‌طور که دیه جنایت بر عضوی از اعضای زن در صورتی که به ثلث دیه مرد برسد به نصف تقلیل می‌یابد، ارش جنایت بر آن عضو زن نیز اگر به ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد؛ مگر اینکه ارش جنایت بر اعضا و منافع زن به ثلث نرسد که در این صورت با مرد مساوی است.

قسمت سوم این ماده که بیان می‌دارد: «اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد»، مشعر بر این است که در ارش همانند دیه، جنسیت دخالت ندارد؛ بدین معنا که میزان ارش جنایت وارده بر اعضا و منافع زن ممکن است در برخی موارد مساوی با میزان ارش همان جنایت در مرد باشد و این تا زمانی است که ارش جنایت بر اعضا و منافع به ثلث دیه کامله نرسیده باشد. به عنوان مثال، اگر جانی جراحی بر عضوی از اعضای بدن زن یا مرد وارد کند و کارشناس ارش آن را هشتاد و دو میلیون و پانصد هزار تومان معادل ربع دیه کامل مرد معین کند، جنایت برای زن و مرد یکسان است و بیشتر از ثلث دیه کامل مرد نیست و تا از ثلث بیشتر نشود دیه زن نصف نخواهد شد و در این موضوع مرد و زن برابرند.

این نظر که ارش زن نیز مانند دیه زن پس از رسیدن به ثلث دیه کامل مرد تنصیف می‌شود، مورد تأیید اکثر فقها از جمله فقهای معاصر است. برخی از فتاوی به شرح زیر است:

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی در پاسخ به این سؤال که آیا صدمات وارده بر بدن، حکم ارش با حکم دیه یکی

است که در زن اگر به ثلث برسد تنصیف می‌شود، فرموده‌اند: «بلی ارش نیز مانند دیه است، یعنی در زنان اگر به ثلث دیه کامل مرد برسد، تنصیف می‌شود».<sup>(۹)</sup>

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی در پاسخ به این پرسش که اگر میزان ارش به ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد یا خیر؟ فرموده‌اند: «ظاهراً دیات مقدره و همچنین غیرمقدره که به وسیله ارش معلوم می‌شود و در مواردی که با صلح یا حکم حاکم تعیین می‌گردد در احکام عامه مشترک می‌باشد».<sup>(۱۰)</sup>

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی نیز در این خصوص که آیا دیه زن در جایی که بیش از ثلث دیه کامل مرد باشد، به نصف تقلیل می‌یابد، آورده‌اند: «آری این حکم در موارد ارش نیز جاری است».<sup>(۱۱)</sup>

باید توجه داشت عبارت «لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضاء و منافع زن نباید بیش از دیه اعضاء و منافع او باشد»، هر چند که در اینجا در مورد زن بیان شده است اما این حکم بر اساس ماده ۵۴۸ این قانون عمومیت دارد و در خصوص مرد هم جاری است. این ماده مقرر می‌دارد: «در اعضاء و منافع، مقدار ارش یک جنایت بیش از دیه مقدر برای آن عضو یا منفعت نیست...».

### گفتار پنجم: حکم از بین بردن هر یک از اعضای فرد و زوج و هر دو عضو

ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی اختصاص به این دارد که در مواردی که اعضای فرد یا زوج از بین می‌روند حکم آن چیست؟ این ماده مقرر می‌دارد: «از بین بردن هر یک از اعضای فرد و هر دو عضو از اعضای زوج، دیه کامل و از بین بردن هر یک از اعضای زوج نصف دیه کامل دارد خواه عضو مزبور از اعضای داخلی بدن باشد خواه از اعضای ظاهری مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

در خصوص این ماده قانونی چند نکته و مسئله قابل بررسی است که به شرح ذیل بیان می‌شود.

۱- این ماده در مقام بیان آن است که:

نخست، از بین بردن هر یک از اعضای فرد دیه کامل دارد؛ مانند کندن یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد در صورتی که دیگر نروید؛

دوم، از بین بردن هر دو عضو از اعضای زوج مانند چشم‌ها و گوش‌ها دیه کامل دارد؛

سوم، از بین بردن هر یک از اعضای زوج نصف دیه کامل دارد؛ خواه از اعضای داخلی بدن باشد یا اعضای ظاهری؛ مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

۲- از مصادیق عبارت: «مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد»، حکم موضوع ماده ۵۸۱ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد: «کندن و یا از بین بردن هر یک از ابروها، یک‌چهارم دیه کامل دارد»؛ یعنی هر چند که ابرو از اعضای زوج بدن محسوب می‌شود؛ لیکن قانون‌گذار دیه کندن یک ابرو را یک‌چهارم دیه کامل مقرر کرده است.

۳- حکم این ماده به مرد اختصاص ندارد و زن و مرد هر دو در این حکم مساوی هستند.

۴- پرسش: شخصی بر اساس نظریه پزشکی قانونی به پرداخت پانزده درصد از دیه کامل بابت ارش از بین رفتن کلیه سمت راست و درآوردن آن و افت عملکردی این عضو محکوم شده است. آیا کلیه از اعضای زوج داخلی بدن محسوب می‌شود؟ آیا از بین رفتن هر یک از کلیه‌ها مشمول نصف دیه کامل است یا صرفاً مستحق ارش است؟

پاسخ: این ماده به نحو صریح برای از بین بردن اعضای زوج داخلی بدن همانند اعضای ظاهری بدن در مجموع یک دیه مقرر کرده است که در صورت از بین رفتن یکی از این اعضا، نصف دیه برای آن تعیین می‌شود. در واقع ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی بیان‌کننده قاعده «کل ما فی الإنسان منه واحد ففیه الدیه و ما فیه اثنان ففی أحدهما نصف الدیه» است که برگرفته از متن روایات می‌باشد. عضو «کلیه» نیز به‌عنوان یکی از اعضای زوج داخلی بدن از این قاعده مستثنی نیست و در صورت از بین رفتن یکی از آنها نصف دیه به مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد. مراجع معظم تقلید نیز در پاسخ به استفتایی در رابطه با دیه کلیه همین نظر را ابراز کرده‌اند.<sup>(۱۲)</sup>

۵- پرسش: با عنایت به اینکه ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی، اعضای فرد را دارای دیه کامل دانسته است، آیا طحال نیز مشمول این ماده است و دیه مقدر دارد یا اینکه ارش به آن تعلق می‌گیرد؟

پاسخ: غالب کلام فقها در خصوص اعضای که دیه مقدر دارند، مربوط به اعضای ظاهری و خارجی بدن است و در مورد اعضای داخلی بدن مانند جگر، طحال و زهره‌دان به‌طور مشخص (و نه کلی) غالباً سخنی به میان نیاورده‌اند.

برخی از فقها به ارش با مصالح نیز فتوا داده‌اند و عده‌ای هم ارش را پذیرفته‌اند.<sup>(۱۳)</sup>

این موضوع در رویه قضایی هم با اختلاف مواجه بود که با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۴۰ مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور به اختلافات پایان داده شد. مطابق این رأی وحدت رویه: «با توجه به دلالت مقررات فصل سوم از بخش سوم کتاب دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قواعد عمومی دیه اعضا و نظر به حکم ماده ۵۶۳ آن که در مقام سنجش دیه اعضای فرد و زوج وضع شده است و با عنایت به فتاوی معتبر فقهی مبنی بر تعیین ارش برای از بین بردن طحال و اینکه در فصل دیه مقدر اعضا برای طحال دیه مقدر منظور نشده است. بنابراین در صورت از بین بردن این عضو، ماده ۴۴۹ همان قانون حاکم بر موضوع تشخیص می‌شود و دادگاه باید با رعایت مقررات این ماده برای آن ارش تعیین کند...».

۶- پرسش: طبق ماده ۵۶۳ هر یک از اعضای فرد و دو عضو از اعضای زوج را اعم از اینکه اعضای داخلی بدن باشند یا اعضای ظاهری واجد دیه کامل دانسته است. از آنجا که قانون‌گذار تعریف دقیقی از عضو ارائه نداده، و ویژگی‌های عضو بیان نشده است، در تشخیص مصادیق آن ابهام وجود دارد. برای بسیاری از قسمت‌های داخلی بدن مانند کبد، ریه، قلب، کلیه‌ها، طحال، لوزالمعده، رحم، مثانه، مری، معده، روده کوچک، روده بزرگ و عروق

خونی به صراحت دیده‌ای اعلام نشده است. تاکنون در صدمات این نواحی بسته به نوع و شدت صدمه ارزش تعیین می‌شد، ولی در حال حاضر با توجه به اصلاحات قانون مجازات اسلامی و با در نظر گرفتن ماده ۵۶۳ این قانون، چنانچه همه یا برخی از مصادیق اعلام شده فوق مشمول تعریف عضو شود، تعیین ارزش برای آنها مغایر قانون بوده و مقبول نیست. برخی از مصادیق فوق در بازه‌های زمانی متفاوت ارزش‌های مختلفی دارند؛ برای نمونه رحم زنی که در سن باروری است با زنی که یائسه است و یا تخمدان‌های یک زن جوان با زن یائسه از نظر منفعت متفاوت است و از نظر پزشکی ارزش یکسانی ندارد. آیا چنانچه تخمدان و رحم، در تعریف عضو قرار گیرد، به رغم ارزش متفاوت واجد دیده مقدر و یکسانی هستند؟

در برخی از اعضای زوج مانند کلیه‌ها، با از بین رفتن یکی از آنها دیگری می‌تواند به تنهایی وظیفه آن عضو را انجام دهد و فرد بدون مشکل به زندگی ادامه می‌دهد؛ اما با از بین رفتن کلیه دوم، نیاز به دیالیزهای مستمر خواهد بود. چنانچه کلیه‌ها مشمول تعریف عضو قرار گیرند، آیا باز دیده هر یک از دو کلیه پنجاه درصد دیده کامل است؟

آیا قلب یا سیستم قلبی عروقی شامل قلب به علاوه شرایین بدن، عضو محسوب می‌شود؟ آیا مری و معده عضو می‌باشند یا سیستم گوارشی از مری تا رکتوم همگی یک عضو هستند؟ آیا کلیه‌ها، حالب، مثانه، اورتر هر یک عضو می‌باشند یا سیستم ادراری شامل کلیه، حالب، مثانه با هم همگی یک عضو محسوب می‌شود؟

**پاسخ:** عضو مجموعه‌ای از بافت‌های بدن است که وظیفه مشترکی را انجام می‌دهند و به اعضای داخلی و بیرونی بدن تقسیم می‌شود مانند دست، پا، چشم، کلیه و قلب. برخی از فقها ملاک تشخیص عضو را عرف می‌دانند و برخی نیز جزء اجزای رئیسه بودن را به‌عنوان ملاک تشخیص بیان کرده‌اند.

همچنین با توجه به اطلاق ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی، شرایط فرد از جهت سنی یا کارایی عضو در میزان دیده عضو مؤثر نیست؛ بنابراین رحم زن نازا یا زن یائسه دیده‌ای برابر دارد. همچنین شخصی که دارای دو «کلیه» است در صورت وارد شدن جنایت به یکی از کلیه‌هایش، دیده‌ای برابر با فردی که دارای تنها یک «کلیه» دارد دریافت می‌کند.

### **گفتار ششم: فلج کردن عضو دارای دیده معین و از بین بردن عضو فلج**

فلج کردن اعضاء در قانون مورد توجه مقنن قرار گرفته و حکم آن روشن شده است. ماده ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «فلج کردن عضو دارای دیده معین دوسوم دیده آن عضو و از بین بردن عضو فلج یک‌سوم دیده همان عضو را دارد. در فلج کردن نسبی عضو که درصدی از کارایی آن از بین می‌رود، با توجه به کارایی از دست رفته ارزش تعیین می‌گردد».

این ماده سه حکم را بیان می‌کند:

نخست، فلج کردن عضو دارای دیه معین، دوسوم دیه آن عضو را دارد؛  
دوم، از بین بردن عضو فلج، یکسوم دیه همان عضو را دارد؛  
سوم، در فلج کردن نسبی عضو که درصدی از کارایی آن از بین می‌رود، ارش تعیین می‌شود.  
حال چنانچه یک ضربه موجب شکستگی استخوان دست و فلج شدن آن شود چند دیه باید پرداخت شود؟  
به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شکستگی استخوان دست به‌طور مستقل دیه جداگانه‌ای از فلج شدن دست  
دارد، لذا برای هر یک دیه جداگانه‌ای تعلق می‌گیرد.

و در فرضی که در حادثه ناشی از وسیله نقلیه موتوری، پزشکی قانونی وضعیت مصدوم را به این شرح تشریح  
کرده است: «وی دچار فلج کامل اندام تحتانی راست و چپ، اختلال قوای جنسی و کنترل ادرار و مدفوع  
به‌صورت دائمی شده است». آیا به چنین فردی دیه و ارش با هم تعلق می‌گیرد؟

در این خصوص نیز به نظر می‌رسد چنانچه بر اثر حادثه رانندگی، چند منفعت ناقص شده و اختلال دائمی ایجاد  
شود، حسب مورد دیه و ارش متصور خواهد بود؛ زیرا اگر از موارد ارش باشد مانند اختلال در قوای جنسی حکم  
ارش جاری است و اگر از موارد دیه مقدر باشد مانند فلج اندام و اعضای تحتانی، موجب دیه است. در خصوص  
فلج اندام تحتانی باید تک تک اعضایی که فلج شده است مشخص شود و اگر دارای دیه مقدر است، دوسوم آن  
بابت فلج شدن آن عضو تعیین می‌شود و اگر قسمتی از عضو کارایی خود را از دست داده باشد، به همان نسبت  
ارش تعلق می‌گیرد. بنابراین دیه و ارش با هم مورد حکم قرار گیرد. این نکته نیز قابل توجه است، که اگر اختلال  
در منافع دائمی باشد؛ به گونه‌ای که ملحق به زوال شود، دیه خواهد داشت و چنانچه محاسبه میزان اختلال  
مانند اختلال در قدرت ضبط ادرار در نیمی از روز ممکن باشد، می‌توان نسبت‌سنجی کرد و به همان نسبت حکم  
به دیه داد و در صورت عدم امکان محاسبه میزان منفعت مختل شده به نسبت کل منفعت ارش ثابت است.

### گفتار هفتم: از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیه مقدر

در خصوص از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیه مقدر ماده ۵۶۵ قانون مجازات اسلامی به تفصیل  
حکم آن را بیان کرده است. در ماده مذکور آمده است: «از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیه مقدر  
به همان نسبت دیه دارد به این ترتیب که از بین بردن نصف آن به میزان نصف و از بین بردن یکسوم آن به  
میزان یکسوم دارای دیه است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

تبصره ۱- در مواردی که نسبت از بین رفته قابل تشخیص نباشد ارش تعیین می‌شود.  
تبصره ۲- هرگاه جنایت عضو را در وضعیتی قرار دهد که به تشخیص کارشناس مجنی‌علیه ناگزیر از قطع آن  
باشد دیه قطع عضو ثابت می‌شود».

باید توجه داشت که موضوع این ماده در فقه مورد اختلاف است و این ماده در مقام بیان چند حکم است: نخست، از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعتی که دارای دیه مقدر است به همان نسبت دیه دارد یعنی از بین بردن نصف آن به میزان نصف و از بین بردن یک‌سوم آن به میزان یک‌سوم دیه دارد؛ دوم، در مواردی که نسبت از بین رفته قابل تشخیص نباشد ارش تعیین می‌شود. سوم، هرگاه جنایت عضو را در وضعیتی قرار دهد که به تشخیص کارشناس مجنی‌علیه ناگزیر از قطع آن باشد دیه قطع عضو ثابت می‌شود.

حال این سؤال قابل طرح است که اولاً، با عنایت به مفاد مواد ۵۶۵، ۳۶۵، ۶۳۸ و ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، چنانچه شخصی فاقد انگشتان دست راست باشد و جانی دست وی را از بیست سانت بالاتر از مچ (از وسط ساعد) قطع کند، وضعیت دیه و ارش چگونه خواهد بود؟ چنانچه برای تا مچ دیه و برای مازاد از مچ به بالا ارش لازم باشد، این نتیجه غیرمنطقی را در پی دارد که چنانچه جانی کمی از بالاتر آرنج دست را قطع می‌کرد دیگر مسئول پرداخت ارش نمی‌شد؟

ثانیاً، در خصوص مقدار بالاتر از مچ، چنانچه لازم باشد میزانی پرداخت شود، آیا ارش در نظر گرفته می‌شود یا با توجه به مفاد مواد ۵۶۵ و ۶۳۸ لازم است به میزان مساحت ساعد قطع شده محاسبه شود؟ پاسخ سؤال فوق در فرضی که شخص کف دست ندارد چه می‌شود؟

در پاسخ باید گفت مقررات مربوط به قطع دست در مبحث دهم بخش دوم از کتاب چهارم دیات قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) آمده است. در این بحث برای قطع دستی که فاقد انگشتان است دیه‌ای مقرر نشده است و چون ماده ۶۳۵ قانون مذکور ناظر به قطع کردن یا از بین بردن دست از مفصل مچ مشروط به داشتن انگشتان کامل است و نیز ماده ۶۳۹ همین قانون اشاره به دستی دارد که دارای انگشتان است، بنابراین فرض سؤال از شمول مواد یادشده و نیز ماده ۵۶۵ قانون مورد بحث خارج است و در هر دو مورد استعلام باید ارش با جلب نظر پزشکی قانونی تعیین شود و در فرضی که مجنی‌علیه کف دست ندارد و قسمت بالاتر از مچ قطع شود نیز مستلزم تعیین ارش است و مناسب است در تعیین ارش به مساحت عضو مورد جنایت توجه شود.<sup>(۱۴)</sup>

### گفتار هشتم: میزان دیه اعضای پیوندی و اعضای مصنوعی

از ابداعات قانونی که در قانون مجازات اسلامی سابق به آن اشاره نشده بود تعیین دیه اعضای پیوندی و اعضای مصنوعی است. مقنن در ماده ۵۶۶ قانون مجازات اسلامی آورده است: «دیه اعضای که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته، قرار گرفته است و مانند عضو اصلی دارای حیات می‌شوند به میزان دیه عضو اصلی است و اگر دارای حیات گردد ولی از جهت دیگری معیوب شود، دیه عضو معیوب را دارد. از بین بردن اعضای مصنوعی تنها موجب ضمان مالی است.» این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، دیه‌اعضایی که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته قرار گرفته است و مانند عضو اصلی دارای حیات می‌شوند به میزان دیه عضو اصلی است؛  
دوم، دیه‌اعضایی که با پیوند و امثال آن در محل عضو از بین رفته، قرار گرفته و مانند عضو اصلی دارای حیات باشد ولی از جهت دیگری معیوب شود، دیه عضو معیوب را دارد؛  
سوم، از بین بردن اعضای مصنوعی تنها موجب ضمان مالی است.  
ملاک تشخیص اصلی بودن عضو به معنای وجود و عدم وجود حیات در آن عضو می‌باشد که توسط کارشناس مربوط صورت می‌گیرد.

باید توجه داشت واژه «دیه» در این ماده اعم از دیه مقدر و غیرمقدر است و لذا ارزش را نیز شامل می‌شود. لازم به ذکر است عضوی که به وسیله پیوند در بدن فرد، قرار گرفته و دارای حیات است، مشمول این ماده است، هرچند از بدن جنس مخالف، استخراج شده باشد مثلاً اگر چشم زنی به چشم مردی پیوند داده شده و دارای حیات باشد و بعد، از طریق جنایتی از بین برود، مشمول حکم ماده ۵۶۶ است و به‌عنوان چشم مرد در نظر گرفته می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- گرجی، سیدابوالقاسم، دیات، ۱۳۹۱، صفحه ۱۴۳
- ۲- زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، صفحه ۶۰۵
- ۳- ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «ارزش دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارزش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود».
- ۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۷۹۴ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۸۶۸ مورخ ۱۳۸۳/۸/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۶- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳۲ مورخ ۱۳۷۸/۳/۱۶ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۷- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، جلد نوزدهم، صفحه ۱۲۲؛ از جمله این روایات عبارت است از حدیث صحیحی از امام صادق علیه‌السلام که فرموده‌اند: «جراحات الرجال و النساء سواء.. فاذا بلغت ثلث الدیه ضعف دیه الوصل علی دیه المراه» (دیه جراحات‌های مردان و زنان مساوی است پس هرگاه به ثلث دیه برسد، دیه مرد نسبت به زن دو چندان می‌شود).
- ۸- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، جلد ششم، قم: مکتب الصدوق، چاپ دوم، ۱۳۶۴، صفحه ۲۷۷
- ۹- فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، جلد نخست، قم: انتشارات مطبوعاتی امیر، چاپ نخست، ۱۳۷۷، صفحه ۴۶۹
- ۱۰- لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، قم، چاپ چهارم،

۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۳۳۶

۱۱- مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا، گنجینه استفتائات قضایی، پیشین، سؤال ۳۳

۱۲- سؤال: نخست، آیا قاعده فوق‌الاشاره شامل اعضای داخلی بدن همانند کلیه نیز می‌شود یا تنها اختصاص به اعضای ظاهری بدن دارد؟

دوم، در صورتی که شامل اعضای داخلی نباشد آیا اعضای داخلی بدن دارای دیه مقدره است یا باید نسبت به آنها ارش پرداخت شود؟

آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت: ظاهراً اعضای داخلی را هم می‌گیرد (۱۳۷۹/۱۲/۶).

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی: ظاهر روایات که می‌فرماید: (هرچه که در انسان دو تا باشد...) این است که فرقی بین اعضای ظاهر و باطن در این حکم نیست (۱۳۸۱/۸/۸).

آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی: بلی، شامل اعضای داخلی هم می‌شود و برای برداشتن یک کلیه نیز نصف دیه ثابت است (۱۳۷۹/۱۰/۱۵).

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: شامل اعضای داخلی نیز می‌شود (۱۳۷۹/۹/۲۹).

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: قاعده شامل اعضای رئیسه داخلی مانند «کلیه» نیز می‌شود چنان‌که شامل بعض امور ظاهری مانند حاجب نمی‌شود، اما اعضای داخلی که مشمول این قاعده نباشند و سبب مرگ نشوند محکوم به ارش می‌باشند (۱۳۷۹/۹/۷).

آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی: بلی، شامل اعضای داخلی نیز می‌شود (۱۳۷۹/۹/۲۴).

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: در مورد دو کلیه حکم دیه کامل جاری می‌شود چون موجب هلاکت می‌شود و در مورد یک کلیه نیز احتیاط واجب آن است که نصف دیه را بپردازد.

۱۳- آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای: «ظاهراً مورد ارش و حکومت است و احوط تصالح است».

سؤال: در مورد طحال، بفرمایید:

نخست، آیا از بین بردن طحال دیه کامل دارد؟

دوم، چنانچه نقصی بر آن وارد آید، دیه دارد یا ارش؟

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: پاسخ اول تا سوم: ارش دارد؛ یعنی نقصی را که از این جهت در بدن حاصل شود، به وسیله کارشناسان تعیین می‌کنند که چند درصد سلامت بدن انسان آسیب دیده است (۱۳۹۲/۹/۴).

۱۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۳۵ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه